



زایش شهروندان  
زنان و سیاست‌های مادری در ایران  
| فیروزه کاشانی ثابت | ترجمه سمیه طباطبائی |

**Conceiving Citizens**

**Women and the Politics of Motherhood in Iran**

**| Firoozeh Kashani-Sabet | Somayeh Tabatabaei |**



## زایش شهروندان

زنان و سیاست‌های مادری در ایران

فیروزه کاشانی ثابت

ترجمه سمیه طباطبائی

ویراستار: شهرزاد رادمنش

نمونه خوان: میترا سلیمانی

طراح یونیفرم: سیاوش تصاعدیان

طراح جلد: محیا زاد

صفحه‌آرا: نرگس نیک‌زاد

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، زمستان ۱۴۰۴ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۳-۲۰۱-۸

---

Bidgol Publishing co. | نشر بیگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

---

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

---

## فهرست

۷	پیشگفتار
۹	قدردانی
۱۷	مقدمه
۳۱	بخش اول: بهداشت و شهروندی
۳۳	فصل ۱. درمان ایران: بهداشت و تحول اجتماعی در عصر قاجار
۵۹	فصل ۲. سیاست‌های جمعیتی: مرگ‌ومیر نوزادان و «بحران» قابلگی
۷۹	بخش دوم: ازدواج، مادری و سکسوالیته
۸۱	فصل ۳. از تجرد تا هم‌پیمانی: سیر تحول ازدواج در ایران
	فصل ۴. هنجارهای جنسی، زندگی اجتماعی:
۱۰۹	تأثیر بیماری‌های مقاربتی
۱۳۷	فصل ۵. زایمان: پرستاری مدرن و سیاست‌های تولیدمثل
۱۷۱	فصل ۶. آموزش مادران: تربیت میهن‌پرستانه و «تجدد» زنان
۲۰۵	فصل ۷. برهنه‌سازی ملت: کشف حجاب و سیاست‌های پوشش
۲۲۷	بخش سوم: سیاست و تولیدمثل
	فصل ۸. از مادران تا رأی‌دهندگان:
۲۲۹	حق رأی، سوادآموزی و روابط خانوادگی
۲۵۳	فصل ۹. مدیریت زادولد: تنظیم خانواده و مراقبت‌های بهداشتی

فصل ۱۰. آزادی‌های مدنی، رحم‌های شهروندساز:  
زنان در جمهوری اسلامی

۲۷۵

۲۹۱

۲۹۵

۳۴۹

۳۷۱

سخن پایانی

یادداشت‌ها

کتاب‌نامه

نمایه



## پیشگفتار

در اواخر قرن نوزدهم، مادری از یک مسئولیت شخصی به کنشی سیاسی تبدیل شد. دولت ایران تحت حکومت‌های گوناگون از طریق قانون‌گذاری و تدوین برنامه‌های آموزشی مدارس، به تبیین و تعلیم شیوه‌های درست و بهنجار رفتار برای مادران و شهروندان زن پرداخت. گروه‌های مختلفی از بوروکرات‌ها و روشنفکران در رابطه با بهبود سلامت مادران، افزایش عمر زنان و پیشگیری از مرگ و میر کودکان هم‌داستان شدند. این کتاب به بررسی اهمیت مادری از اواخر قاجار تا چند دههٔ اخیر می‌پردازد. تحلیل‌های مطرح‌شده در اینجا همچنین نشان می‌دهند که چگونه زنان مادری را به عنوان نقشی بدیهی پذیرفتند، حتی زمانی که فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌های دیگری را هم دنبال می‌کردند. کتاب همچنین میان مباحث مادرگرایانه و فمینیستی دربارهٔ نقش زنان در جامعهٔ ایران و جوامع اسلامی تمایز قائل می‌شود.

گسترش گفتمان مادری قرین دغدغه‌هایی بود که دربارهٔ افزایش حضور زنان در عرصهٔ سلامت و بهداشت، اخلاق و نافرمانی اجتماعی مطرح می‌شد. از این رو، کتاب به بررسی تحول مامایی در جوامع سنتی اسلامی هم می‌پردازد و سپس تاریخچه و سیر توسعهٔ پرستاری نوین در ایران را نیز مطرح می‌کند. هدف از این کار ارتقای آگاهی دربارهٔ مسائلی است که نه تنها به بهداشت، بلکه به کلیت حقوق زنان مربوط می‌شوند.

توجه به بهداشت و سلامت عمومی به زنان ایرانی امکان داد تا با کشف فضای بیرون از خانه نقش‌های سنتی خانگی‌شان را پالایش کنند. از دوران قاجار، بهداشت به عنوان مسئولیتی اجتماعی مورد توجه و تأیید نوگرایان ایرانی قرار گرفت. نویسندگان زن بهداشت عمومی را ترویج می‌کردند و آن را شرطی ضروری برای حفظ خانواده و جامعه‌ای سالم می‌دانستند. آنها بهداشت و پاکیزگی را به عنوان فضایل زن میهن دوست می‌ستودند و امید داشتند که این رویکرد بتواند منجر به کاهش مرگ‌ومیر نوزادان و مرگ مادران هنگام زایمان شود.

در فرهنگ ایرانی مادر جایگاهی والا و ارجمند دارد. اگرچه نقش ضروری او و سخت‌کوشی‌اش در خانواده و جامعه بر کسی پوشیده نیست ولی اهمیت قدرت و اثرگذاری او همیشه در سایه باقی می‌ماند. مادران همه جا حضور دارند، اما این حضور چنان فراگیر است که ارزش و سهم آنها گاه به چشم نمی‌آید. این کتاب مادران — و بنابراین زنان — را در کانون پژوهش تاریخی قرار می‌دهد، آن‌هم از رهگذر برجسته کردن مبارزاتشان در تحولات سیاسی ایران.

فراتر از همه، این اثر با استدلال نشان می‌دهد که چرا پژوهش تاریخی دربارهٔ مسئلهٔ مادری در فهم تحولات سیاسی ایران مدرن جایگاهی محوری می‌یابد.

فیروزه کاشانی ثابت

نیویورک، ۱۰ آذر ۱۴۰۴

## قدردانی

زادن این کتاب خیلی بیشتر از نه ماه طول کشید. وقتی که درباره تاریخ تولیدمثل تحقیق می‌کردم و می‌نوشتیم به معنای واقعی کلمه، تجربه بارداری، فقدان و زایمان را زندگی کردم، گرچه سرعتم در تولید علم کم بود و به کندی حلزون پیش می‌رفتم، ولی توانایی‌ام در درک کودکان و بزرگداشت مادرانگی به طرز چشمگیری افزایش یافت. این بینش تازه به تحقیقاتم درباره تاریخچه مادری و سلامت زنان در ایران سروشکل داد. در نگرشم راجع به فمینیسم و هویت‌های اغلب دوگانه زنان در زمینه اشتغال و خانه‌داری بازنگری کردم. در فرایند این خودکاوی، متوجه شدم که زنان نتوانستند (و نمی‌توانستند) زندگی‌شان را واقع‌بینانه و ماهرانه تفکیک کنند. تحلیلیم از مادرگرایی<sup>1</sup> و تاریخ زنان در ایران بازتاب‌دهنده این واقعیت مهم است.

این پروژه را بیش از یک دهه پیش با هدف مطالعه‌ای درباره بهداشت شروع کردم. به‌نظرم رویکردی که در پیش گرفته بودم به دو دلیل منطقی بود. اول، افزایش چشمگیر مطالب مرتبط با بهداشت در قالب توصیه‌های همگانی به خانواده‌ها در مطبوعات روبه‌رشد فارسی. دوم، پرداختن به سلامت باروری زنان با زبانی ساده و قابل فهم و ترسیم چشم‌اندازی منحصر به فرد از زندگی اجتماعی زنان و مردان ایرانی. هرچند

1. maternalism

متون مرتبط (نسخه‌های خطی، مقاله‌های مطبوعاتی، کتاب‌های چاپ سنگی) دیگر جنبه‌های مراقبت‌های بهداشتی زنان را نادیده گرفته‌اند، اما بحث‌های مدرنیستی دربارهٔ مادری و تولیدمثل نشان می‌دهند که جنسیت چطور بر مدیریت مراقبت‌های بهداشتی در ایران تأثیر گذاشته است. طی این فرایند آموختم که برداشت‌های رایج دربارهٔ سلامت، درمان و بهداشت فردی چیزهای زیادی را دربارهٔ تاریخ اجتماعی ایران و خاورمیانه آشکار می‌کند.

در این مطالعه بر سلامت زنان و سیاست‌های باروری طی دوره‌ای صدساله متمرکز شده‌ام و مسائلی را ثبت کرده‌ام که توجه مادرگرایان (طرف‌داران تولیدمثل، سلامت مادر و مراقبت از کودک) معطوف به آنها بود. همچنین روش‌هایی را تحلیل و بررسی کرده‌ام که کنشگران در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی دیگر مانند حجاب زنان، جنسیت، حق رأی، اشتغال و تحصیل پیش گرفته‌اند. مباحث مربوط به سلامت زنان جدا از دیگر مسائل اجتماعی نبوده‌اند. بسیاری از بهورزانی‌ها که عموم را از مزایای واکسیناسیون مطلع می‌کردند، درخصوص مادری سلامت‌محور، مراقبت از کودک و وضعیت زنان مدرن ایرانی (از جمله رفتار، پوشش و تحصیلات) هم بی‌پروا صحبت می‌کردند؛ از این رو لقب «مادرگرا» را از آن خود کرده‌اند. به علاوه آنها همچنین به عرصهٔ فکری گسترده‌ای قدم گذاشتند که اندیشمندان سنت‌گرا را مقابل اصلاح‌طلبان مدرن سکولار قرار می‌داد؛ که هرکدام دیدگاهی متفاوت دربارهٔ زنان، مادری و زندگی خانوادگی داشتند.

اثر بیش‌رو موضع تاریخی اسلام را دربارهٔ سکسوالیتهٔ زنان در ایران و خاورمیانه بررسی نمی‌کند. اما از آنجا که مطالعهٔ تولیدمثل سکسوالیته را نیز دربر می‌گیرد، درک اینکه آموزه‌های اسلامی‌ای که دربارهٔ تولیدمثل‌اند چه تأثیری بر گفتمان مادرگرایی می‌گذارند حائز اهمیت است. جایگاه اسلام در جامعهٔ ایران تأثیری عمیق بر حقوق زنان و سیاست‌های باروری

دارد. اگرچه اسلام برای روابط جنسی، ازدواج و طلاق هنجارهای رفتاری وضع کرده، اما در مفاهیم مربوط به تولیدمثل، آموزش زنان و مادری فضا را برای تفسیر باز گذاشته است. بنابراین هر تحلیلی راجع به جنبش زنان در ایران باید با این چارچوب فکری که بر زندگی زنان اثرگذار بوده دست و پنجه نرم کند.

در مسیر نگارش این کتاب توانستم با دیدگاه‌هایی در مورد پزشکی مدرن، به ویژه در حیطه مراقبت‌های مادرانه و پزشکی کودکان، بهتر مواجه شوم و بپذیرم‌شان. من اهل رشت‌م و در خانواده‌ای متولد شده‌ام که در آن طبابت حرفه‌ای معمول بوده است. دایی‌های بااستعدادم، دکتر اکبر و علی مهربان سمیعی، دانش‌آموخته جراحی در ایالات متحده‌اند. دایی اکبر به ایران بازگشت و حدود پانزده سال طبابت کرد. عمویم، دکتر محمد مهدی کاشانی ثابت، هم پزشک عمومی بود و مردم رشت بسیار دوستش داشتند. او که در ایران تحصیل کرده بود اغلب در کارش تکنیک‌های طب سنتی و پزشکی مدرن را درهم می‌آمیخت. [۱] برادرم، محمد، و دختردایی و پسردایی‌ام، ثریا و جیسون سمیعی، راه آنها را ادامه داده‌اند و در ایالات متحده طبابت می‌کنند.

اینکه تصمیم گرفتم به جای پزشکی در رشته تاریخ ادامه تحصیل بدهم موجب حیرت بسیاری از اعضای خانواده‌ام شد. دایی‌ام، علی که جراح حاذق قفسه سینه است، یک بار به شوخی (و از سر محبت) به من لقب «ژن جهش یافته»ی خانواده را داد، چون خواهش‌هایش برای پزشک شدنم در من اثر نکرده بود. آن زمان نمی‌فهمیدم که این لقب چقدر بجاست تا اینکه اولین فرزندم متولد شد و خیلی زود یاد گرفتم برخی از هنجارهای پزشکی و روش‌های «استاندارد» پزشکی مدرن کودکان را زیر سؤال ببرم.

باید از افراد و مؤسسات بسیاری تشکر کنم که الهام‌بخشم بودند و حمایت کردند. انجمن تاریخی پرسپیتترین و مرکز آرشیو راکفلر سخاوتمندانه گنجینه‌ای از اسناد مرتبط با گسترش مراقبت‌های مدرن بهداشتی ایران را

در اختیارم قرار دادند. کارکنان کتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف در ایران رونوشتی از نسخ خطی و مکاتبات مرتبط را برایم فراهم کردند. پژوهشگران حوزه تاریخ ایران و خاورمیانه از طریق آثارشان، نقدهای تیزبینانه و در برخی موارد دوستی‌شان به من انگیزه دادند. به خصوص، وام‌دار افسانه نجم‌آبادی و تحلیل‌های نوآورانه و پیشگامانه‌اش از جنبش زنان در ایران هستم. دکتر نجم‌آبادی نه تنها برایم الگوی فکری بود که در حقم دوستی را تمام کرد. پروفسور حمید دباشی با سخاوت تمام مرا در گفت‌وگوهای مهم درباره تحول جامعه مدرن ایران سهیم کرد. پروفسور رضا شیخ‌الاسلامی در طول این سال‌ها تکیه‌گاه و پشتیبان من بود و مفتخرم که در سال ۲۰۰۶ با او در کنفرانسی به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب مشروطه ایران همکاری کرده‌ام.

همکارانم در دانشگاه پنسیلوانیا (پن) به شیوه‌های گوناگون راهنمایم بوده‌اند. کتی براون، لی کاسانلی، تام چیلدرز، لین هولن لیز، آن متر، کتی پیس و جاناتان استینبرگ، در سخت‌ترین لحظات آن پشتیبانی حرفه‌ای و توصیه‌های شخصی‌ای را که نیازمندانم بودم در اختیارم گذاشتند. بدون حضور آنها نمی‌توانستم فرایند سخت و طاقت‌فرسای ارتقای دانشگاهی را به سرانجام برسانم و استاد دائم شوم. با امتنان، ایو تراوت پاول، مورخ دانشگاه پن، را نیز به حلقه همکاران دلسوزم در این دانشگاه می‌افزایم، مورخی که هم هوشی سرشار دارد و هم منشی وارسته. محققان دیگر گروه‌ها نیز سخاوتمندانه وقتشان را در اختیارم گذاشتند. پروفسور جمال الیاس، یکی از دوستانم در بیل، که حالا همکار فوق‌العاده من در گروه مطالعات مذهبی پن است. از ریتا بازارد و دمی کورتز، همکارانم در برنامه مطالعات زنان پن، ممنونم که با دعوت از من برای ارائه پژوهش‌هایم و همکاری در برگزاری رویدادهای جذاب پرشمار حمایت کردند. همچنین، آفای ملیس، رئیس دانشکده پرستاری پن و پروفسور جولی فیومن که در همایش تاریخ معلولیت در خاورمیانه حمایتشان را دریغ نکردند.

پژوهشگران دیگر مؤسسات نیز داده‌های فکری ارزشمندی در اختیار گذاشتند. از بت بارون، متیو کانلی، شوکری هانی اوغلو و جودیت تاکر تشکر می‌کنم که در حین تکمیل این پروژه مرا در گفت‌وگوهای هدمندشان سهیم کردند. ویراستارم در انتشارات دانشگاه آکسفورد، سوزان فربر، چشمی تیزیبن و نگاهی نکته‌سنج دارد. مفتخرم که باریک بینی او در همه صفحه‌های این اثر منعکس شده است. از تیم تولید انتشارات آکسفورد، به ویژه جولین اوسانکا، ممنونم که دست‌نوشته‌هایم را برای انتشار آماده کردند. علاوه بر این، قدردان همکاران خلاق و تأثیرگذارم در مرکز خاورمیانه پن هستم، جایی که از سال ۲۰۰۶ افتخار مدیریت آن را داشته‌ام. جین‌هی سونگ و جیم رایان، اعضای هیئت علمی این مرکز، هر دو در تبدیل آن به سازمانی شاخص و فعال سهم بسزایی داشته‌اند. حمایتشان سبب شد که بار مسئولیت مهم ریاست مرکز روی دوشم سنگینی نکند و ناچار نشوم فعالیت‌های پژوهشی‌ام را در این راه قربانی کنم. چیپ روستی، دانش‌آموخته بااستعداد پن، در گردآوری کتاب‌شناسی و نمایه این کتاب به من کمک کرد. بخت با من یار بود که از کمک و مهارت فوق‌العاده‌اش بهره‌مند شدم.

شایسته است به تصاویری هم که برای انتشار در این کتاب انتخاب شده‌اند، اشاره‌ای کنم. بسیاری از تصاویر از میکروفیلم‌های روزنامه‌های قدیمی ایران برداشته شده که اغلب کیفیت پایینی دارند. با این حال، چون با متن مرتبط بودند تصمیم گرفتم از آنها، با اینکه واضح نبودند، استفاده کنم. در نهایت، به‌رغم اینکه تلاش کردم تا با مراجع ذی‌ربط تماس بگیرم، نتوانستم اطلاعات مرتبط با حق چاپ و نشر این روزنامه‌های قدیمی را به دست آورم؛ روزنامه‌هایی که بیشترشان دیگر منتشر نمی‌شوند و مالکیت بعضی‌شان پس از سال ۱۳۵۷ تغییر کرده است.

دعوت به ارائه پژوهش‌هایم در کنفرانس دوسالانه مطالعات ایرانی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲، دانشگاه پرینستون در ۲۰۰۳، کالج بارنارد در ۲۰۰۴ و دانشگاه پنسیلوانیا در ۲۰۰۵ زمینه‌ساز تعمق بیشتر در پژوهش‌هایم شد.

از پروفیسور اریک هوگلدن ممنونم که پس از ارائه مقاله‌ام با عنوان «زایمان: زنان، پرستاری و بهداشت جنسی»<sup>۱</sup> در کنفرانس مطالعات ایرانی سال ۲۰۰۲ تشویق کرد در مجله کریتیک: کریتیکال میدل ایسترن استادیز<sup>۲</sup> منتشرش کنم. اگرچه در نهایت این مقاله را جای دیگری منتشر کردم، اما قدردان حمایت اولیه او از این پروژه هستم.

این پژوهش بدون حمایت و دلگرمی خانواده‌ام به سرانجام نمی‌رسید. کنجکاو و اشتیاق برادرزاده‌هایم، لایلا و سارا کاشانی‌ثابت، مدام به یادم می‌آورد که نوشتن از دیرباز سرگرمی خانوادگی‌مان بوده؛ دخترها! به نوشتن ادامه دهید. پسردایی‌ام، گیو سمیعی، در زندگی‌ام غنیمتی گرانبهاست. از او و مادر فداکارش، نگار، برای تشویق‌ها و سخاوتمندان تشکر می‌کنم. «دایی»‌ام، ایرج سمیعی مهربان و دلسوز، اغلب داستان‌های جذابی درباره خانواده‌مان برایم تعریف می‌کرد که باعث شد درک و فهم بهتری از تاریخ ایران داشته باشم. دختردایی‌ام، رکسان سمیعی براون، همسرش جاستین و فرزندان زیبایشان، اما و نوآ، مایه شادی‌مان در بسیاری از تعطیلات خانوادگی بوده‌اند. همچنین این افتخار کم‌نظیر را داشته‌ام که از خرد و مهربانی مادربزرگ رکسان، نیره ابتهاج سمیعی، بهره‌مند شوم. گیس سفید خانواده‌ما، نیره خانم، از اولین زن‌های ایرانی است که در سال ۱۳۴۲ به مجلس شورای ملی راه یافت. فعالیت و رهبری زنان نسل او این فرصت را به من و همسالانم داد که بیش از سی سال بعد مسیر حرفه‌ای‌مان را پیدا کنیم.

در نهایت باید از فداکاری‌های خانواده‌ام قدردانی کنم. مادرم، فرشته سمیعی، همچنان تکیه‌گاه ما در زندگی است. برای مهر و همراهی‌ات همیشه سپاسگزارت هستم. همسرم، علیرضا جواهری، حتی یک بار هم شکایت نکرد که مدام از آپارتمان جمع‌وجورمان کتابخانه‌ای کوچک می‌ساختم و گوشه‌گوشه‌اش را پر از رونوشت اسناد و مقالات نشریاتی می‌کردم

1. "Giving Birth: Women, Nursing, and Sexual Hygiene"  
 2. Critique: Critical Middle Eastern Studies

که از وقایع تاریخی نزدیک به دو سده حکایت داشتند. علیرضا خودش هم محقق است، هم آموزش این حرفه را دیده و هم خلق و خویش با آن سازگار است. آرام و بی‌هیاهو بیش از یک دهه پشتیبان فعالیت‌های فکری‌ام بوده. فقط می‌توانم فروتنانه این حمایت را بپذیرم؛ خیلی ممنونم. فرزندانم بی‌آنکه بدانند در روند این پروژه تأثیرگذار بوده‌اند. آنها به ناچار مامانشان را با آدم‌های غریبه سهیم شدند و بیش از هر چیز به من فرصت دادند که نه تنها درباره موضوع مادرانگی تحقیق کنم، بلکه معنای مادر بودن را نیز بهتر بفهمم. به فرزندانم: در پناه خدا باشید! از شما بسیار آموخته‌ام. ممنونم که هر روز یادم می‌آورید چه چیزی در زندگی واقعاً مهم است.

این کتاب را به فرزندان عزیزم و به یاد و خاطرهٔ مادربزرگ محبوبم، مریم رحمت سمیعی، تقدیم می‌کنم. او را ننه‌جان صدا می‌کردم. وقتی برای تعطیلات نوروز پیش او می‌رفتیم، مرا به زایشگاهی نزدیک خانه‌اش در رشت می‌برد. این مراسمی بود برای ادای احترام به کودکان آن زایشگاه که برخی‌شان معلول به دنیا آمده بودند. این دیدارهای گاه‌وبیگاه تأثیری ماندگار بر ذهن آن دخترک چشم‌وگوش‌بسته حساس می‌گذاشت. حالا، بیش از سی سال بعد، تأثیر رفتار ظریف ننه‌جان را با شور و سپاس به یاد می‌آورم که زیربنای آرمان‌های بزرگسالی‌ام شد.